



Desirable Legislation System in the Political Thought of Allameh Mohammad Taghi Ja'fari

Ali Akbar Jafari Nadoushan¹, Seyyed Mohsen Hekmati Moghadam²

¹ Assistant Professor, Faculty of Law, Yazd University, Yazd, Iran (*Corresponding author*).
jafarinadoushan@yazd.ac.ir

² Assistant Professor, Faculty of Law, Yazd University, Yazd, Iran. mohsenhekmati@yahoo.com

Abstract

The present research aims to examine the characteristics of a desirable legislation system from the perspective of Allameh Mohammad Taghi Ja'fari. The main question is what the purpose of this system is and ultimately, what executable guarantee it uses to ensure the fulfillment of everyone's interests and benefits. The research method is descriptive-analytical, and the results indicate that a sound legislation system, according to Allameh Ja'fari, requires lofty goals, clear awareness, and adequate enforcement guarantees. Regarding lofty goals, he believes that while establishing order and eliminating conflict is commendable, it is not sufficient. Rights should strive to fulfill larger objectives. Human excellence and the growth of human potential, along with efforts for unity in rights for all, are addressed in this section. In other words, firstly, a desirable legal system must endeavor to not only provide order and security but also to foster the capabilities of individuals. Secondly, not only should all aspects of individual life be under the administration of a unified legal mindset, but also there should be a single mindset governing the entire world to minimize conflicts. Concerning the characteristics that the legislator must possess, he first refers to his comprehensive knowledge of the characteristics and needs of his subjects. Then, he emphasizes his distance from personal, partisan, ethnic, etc., biases. Finally, when discussing enforcement guarantees, he believes that societal education aimed at promoting a culture of lawfulness on the one hand and sufficient attention to strengthening self-restraint within each individual, on the other hand, play a very influential role in the success of a legal system. Consequently, there will be less need for external enforcement guarantees.

Keywords: Allameh Mohammad Taghi Ja'fari, Legislation System, People's Rights, Sharia Politics.

Received: 2023-03-30 ; Received in revised form: 2023-05-23 ; Accepted: 2023-07-02 ; Published online: 2023-09-24
<https://doi.org/10.22034/SM.2024.543824.1780>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



نظام قانون گذاری مطلوب در اندیشه سیاسی علامه محمدتقی جعفری

علی اکبر جعفری ندوشن^۱، سید محسن حکمتی مقدم^۲ 

^۱ استادیار، دانشکده حقوق، دانشگاه یزد، یزد، ایران (نویسنده مسئول). jafarinadoushan@yazd.ac.ir

^۲ استادیار، دانشکده حقوق، دانشگاه یزد، یزد، ایران. mohsenhekmati@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی ویژگی‌های یک نظام قانونگذاری مطلوب از منظر علامه محمدتقی جعفری است. سوال اصلی این است که هدف این نظام، واضعان و در نهایت، ضمانت اجرایی که استفاده می‌کند، چه باشند تا منافع و مصالح همه رعایت شود. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و نتایج نشان داد که یک نظام قانونگذاری خوب از نگاه علامه جعفری نیازمند هدف والا، واضح آگاه و ضمانت اجرای موثر است. در خصوص هدف والا، ایشان معتقد است که برقراری نظم و فقدان نزاع اگرچه خوب است، اما کافی نیست. حقوق باید تلاش کند تا اهداف بزرگ‌تری را برآورده کند. تعالی و رشد استعدادهای انسانی به همراه تلاش برای وحدت در حقوق برای همگان، در این قسمت مطرح می‌شود. به عبارت بهتر، اولاً یک نظام قانونی مطلوب باید در تلاش باشد تا علاوه بر فراهم آوردن نظم و امنیت، قابلیت‌های انسان‌ها را نیز شکوفا کند. ثانیاً، نه تنها تمام حوزه‌های زندگی فرد باید تحت مدیریت یک اندیشه قانونی واحد باشد، بلکه در سراسر جهان نیز تنها یک اندیشه بر همه حاکم باشد، تا تعارضها کمتر شود. در مورد ویژگی‌هایی که واضع قانون باید دارا باشد، ایشان ابتدا به آگاهی جامع او نسبت به مشخصات و نیازهای تابعان خود اشاره می‌کند و سپس بر دور بودن او از پیوندهای شخصی، جناحی، قومی و... تأکید می‌نماید. در نهایت، ایشان به هنگام بحث در مورد ضمانت اجرا معتقد است که تعلیم و تربیت جامعه در راستای ارتقای فرهنگ قانون‌پذیری از یک طرف، و توجه کافی به تقویت بازدارندگی در درون هر فرد از طرف دیگر، نقش بسیار موثری در موفقیت یک نظام قانونی دارد. از این رهگذر، احتیاج کمتری به ضمانت‌اجراهای بیرونی خواهد بود.

واژه‌های کلیدی: علامه محمدتقی جعفری، نظام قانون گذاری، حقوق مردم، سیاست شرعی.

استاد به این مقاله: جعفری ندوشن، علی اکبر؛ حکمتی مقدم، سید محسن (۱۴۰۲). نظام قانون گذاری مطلوب در اندیشه سیاسی علامه محمدتقی

جعفری. *سیاست متعالیه*. ۱۱(۳): ۱۰۳-۱۱۸. <https://doi.org/10.22034/SM.2024.543824.1780>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۰؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۳/۰۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۱؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۰۲

© the authors

<http://sm.psas.ir>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



۱. مقدمه

احکام فقهی یا نظام حقوقی اسلام، هم دینی و هم اجتماعی است؛ زیرا هم مبنای اصلی آن از قرآن و سیره معصومان (ع) تشکیل شده است، و هم مانند هر نظام حقوقی دیگر، وصف اجتماعی دارد؛ چراکه یکی از اهداف اصلی آن، حفظ و ارتقای سعادت جامعه و استقرار نظم در روابط اجتماعی انسان‌هاست (کاتوزیان، ۱۳۹۷: ص ۴۲). بنابراین، امت اسلامی برای آنکه احکام الهی را بر همه شئون اجتماعی، سیاسی، حقوقی و... حاکم کند، به یک جامعه دینی نیاز دارد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶: ص ۴۵). از آنجا که آرمان انسانیت از دید اسلامی، نیل به کمال و سعادت است، تمامی جنبه‌های زندگی او، همچون هدایت الهی، تحت الشعاع این اصل قرار می‌گیرند. در کلام سیاسی، زندگی انسان در دنیا، مقدمه‌ای برای آخرت دانسته می‌شود و زندگی در آن جهان است که اصالت دارد. بدین جهت، حیات انسان در دنیا، به همراه تمامی عرصه‌های مختلف آن، به سوی حیات اخروی جهت می‌یابد. این رویکرد و جهان‌بینی، بدون شک، تأثیر و نمود بارزی در شیوه تنظیم زندگی سیاسی در جامعه اسلامی دارد (حقیقت، ۱۳۹۳: ص ۹۱). در همین راستاست که به نظر مسلمانان، نخستین قانونگذار، خداوند متعال می‌شود که مبادی و اصول شریعت اسلامی، شامل دین، داوری و قوانین را توسط پیامبرانش، برای انسان‌ها فرستاده است (محمصانی، ۱۳۸۶: ص ۱۴) و مهم‌ترین دلیل ضرورت بعثت انبیاء را، ضرورت آگاهی از رابطه دنیا و آخرت، پابدها و نپایداهای مؤثر در سعادت انسان و ناتوانی عقل و تجربه محض بشری از دستیابی به آن می‌دانند (سازمند، ۱۳۹۸: ص ۳۴).

مطابق با دیدگاه اندیشمندان مسلمان، ازجمله علامه جعفری، شریعت اسلامی تمام وجوه عمومی و خصوصی زندگی بشر، ازجمله نمودهای قدرت سیاسی در جامعه اسلامی را تنظیم می‌کند. خداوند قانونگذار مطلق است، دستورهای خود را از راه وحی به پیامبرش ابلاغ می‌کند و اراده و اندیشه بشر، قلمروی محدودی در این عرصه دارد. به دیگر سخن، در فرهنگ اسلامی، خداوند قانونگذار است که شریعت او بر تمام موضوعات، ازجمله دولت، حاکم می‌گردد و دولت اسلامی، وجودی ابزاری دارد که برای اهداف نظام الهی، مثل اجرای قانون، تشکیل می‌شود.

لازم به ذکر است، از دیدگاه علامه جعفری اصلی‌ترین علتی که باعث شده است برخی مکاتب و تفکرات با حقوق دینی همراه نشوند، تفسیر نادرست ارائه شده از دین است. ایشان به سوءتعبیرها و سوء استفاده‌هایی که از دین شده است، اشاره می‌کند و می‌گوید، دین بر مبنای تفسیری که در دوران جدید غرب مورد تبلیغ، تحقیق و اشاعه قرار گرفته و سپس به دیگر قسمت‌های دنیا منتشر شده است، یک رابطه و پیوند معنوی مصیق

و محدود میان انسان و خداوند است که با هیچ يك از جوانب زندگی روزانه انسان، رابطه جدی و محکمی ندارد (جعفری، ۱۳۹۳: ص ۱۴۸).

بررسی و تدقیق در آرای علامه جعفری، به عنوان یکی از متفکران بزرگ عصر حاضر در حوزه حقوق الهی، می‌تواند بسیاری از سوالات و ابهامات پیرامون فلسفه قانون و قانونگذاری را برطرف کند. به نظر می‌رسد، چنین تحقیقاتی بتوانند در ارتقای قانون‌پذیری در جوامع نیز تأثیر داشته باشند؛ چرا که به جای تکیه بر عوامل بیرونی، با رجوع به مشخصه‌های ذهنی و درونی در تلاش است، تا از بیگانگی میان فرد و قانون بکاهد و از این رهگذر، پذیرش و متابعت از قانون میان افراد جامعه را افزایش دهد. در آثاری که تاکنون بر اساس اندیشه‌های علامه جعفری نوشته شده است پژوهشگران به مبانی و مفهوم «آزادی» (لک‌زایی، ۱۳۸۳؛ فراتی، ۱۳۹۸) و «حقوق بشر» (یثربی، ۱۳۹۰) در نگاه ایشان پرداخته‌اند. با این حال تاکنون تحقیق مجزایی با تمرکز بر قانون مطلوب و ویژگی‌های قانونگذاری مناسب و همچنین نظام ضمانت اجرایی ایده‌آل از نظر علامه جعفری انجام نشده است. از آنجا که فلسفه قانون و قانونگذاری در دوران نوین دچار چالش‌های متعددی، خصوصاً در کشورهای اسلامی، شده است سؤال اصلی پژوهش بر این مطلب استوار است که چرا از نظر علامه محمدتقی جعفری، نظام قانونگذاری در قالب مکاتب الهی از محاسن بیشتری برخوردار است؟ به عبارت بهتر، چه ویژگی‌هایی در قانونگذاری در پرتوی موازین الهی وجود دارد که باعث می‌شود، علامه جعفری این الگو را برای تأمین سعادت حقیقی انسان‌ها شایسته‌ترین بدانند؟ برای پاسخ به این سؤال، پس از مختصری توضیح در مورد سیاست شرعی در اسلام، این نوشتار با صحبت از اهداف و غایت یک نظام قانونی مطلوب (شماره سه)، ویژگی‌های قانونگذار مطلوب (شماره چهار) و مناسب‌ترین ضمانت اجرا برای قوانین (شماره پنج) ادامه می‌یابد. این تحقیق نشان می‌دهد که مهم‌ترین کمبود نظام‌های حقوقی و قانونی غیرالهی جامع نبودن آنها، به‌ویژه نپرداختن به ابعاد درونی و معنوی تابعان خود، است. در واقع، فهم و تنظیم تمام جنبه‌های انسان است که ملاک موفقیت یک قانون را نشان می‌دهد.

۲. سیاست شرعی

از دیدگاه علامه جعفری، پیوند و ارتباطی که میان همه شئون و ابعاد حیات انسانی، یعنی اقتصادی، سیاسی، حقوقی، اخلاقی و هنری وجود دارد باعث شده است تا در اسلام رشته‌ای مستقل و مجزا که به عنوان قوانین و اصول سیاسی معرفی می‌شود، تدوین نشود. از نظر ایشان، اسلام تنها دینی است که با تکیه بر عدالت، پاسخگوی تنظیم و مدیریت «جامع» حیات معقول ما انسان‌ها است (جعفری، ۱۳۷۳: ص ۵۸). به

عبارت دیگر، دین از دیدگاه اسلامی می تواند جوابگوی همه ارتباطات چهارگانه باشد؛ یعنی ارتباط با خود، ارتباط با خدا، ارتباط با جهان و ارتباط با دیگر افراد؛ هم آنچنانکه «هستند» و هم آنچنانکه «باید» باشند. اینگونه است که دین در این معنا، نمی تواند در «حقوق»، «سیاست»، «اقتصاد»، «اخلاق» و سایر اموری که زندگی بشر را فرا گرفته اند غایب و بی تأثیر باشد (جعفری، ۱۳۹۳: ص ۱۴۸).

نظم سیاسی در اسلام را «سیاست شرعی» می نامند؛ زیرا مجموعه قوانینی است که مبنا و زیربنای دولت اسلامی را تشکیل می دهد. به بیانی دیگر، آن روش هایی که اسلام برای تنظیم رفتار فرد مسلمان و جامعه اسلامی طراحی کرده است تا امور جامعه اسلامی سامان یابد، را سیاست شرعی می گویند (حسن، ۱۳۸۳: ص ۳۲۷).

سیاست از دیدگاه علامه جعفری، از واجب ترین عبادات و وظیفه آن دسته از افرادی است که شرایط لازم را دارند. ایشان سیاست در معنای صحیح را همانا مدیریت و توجیه و تنظیم حیات اجتماعی بشر در مسیر «حیات معقول» معرفی می کند (جعفری، ۱۳۷۳: ص ۴۷). روش در دانش سیاست اسلامی با مبانی و منابع اسلامی پیوند دارد؛ یعنی علاوه بر تجربه و عقل، بر نقشی که نقل و وحی در فهم و شناخت موضوعات سیاسی و تمثیت حیات سیاسی دارند نیز تأکید می کند (عابدی، ۱۳۹۹: ص ۲۲).

یکی از مهم ترین موضوعات در سیاست اسلامی، قانون و قانونگذاری است. از دیدگاه علامه محمد تقی جعفری، جامعه بدون حقوق و قوانین و سیاست شایسته، به آسانی تحت تأثیر قدرت واقع می شود، یا به زودی در معرض متلاشی شدن قرار خواهد گرفت (جعفری، ۱۳۹۳: ج ۶۹۹)؛ زیرا زندگی اجتماعی انسان به امنیت، آرامش و حرکت بر مبنای قانون، حقوق و فرهنگ مستمر نیازمند است (جعفری، ۱۳۹۳: الف: ص ۷۱۵). علامه جعفری، کتاب نهج البلاغه را بهترین و کامل ترین منبع و کتاب سیاسی می داند که دستورات آن این قابلیت را دارد، که هدایت گر و منجی انسان ها باشد. در حالی که آنچه تاکنون در قوانین و فرهنگ های سیاسی و حقوقی در زندگی اجتماعی بشری در نقاط و زمان های مختلف پیاده شده است، ابعادی کوچک از ابعاد نامحدود و گسترده از زندگی بوده است (جعفری، ۱۳۷۶: ص ۴۲). در ادامه به نظرات علامه جعفری در خصوص هدف و غایتی که باید از قانونگذاری مطلوب دنبال گردد، پرداخته می شود.

۳. هدف و غایت قانونگذاری مطلوب

از نظر علامه جعفری باید هر قانون از اهداف ارزشمند و والا برخوردار سبباشد. در حقیقت، برای آنکه قانون به موفقیت برسد، باید دارای آنگونه اهدافی باشد که با منزلت انسان هم پایه است. ایشان به طور خلاصه

می‌گوید، اگر به همین مقدار بسنده شود که هدف حقوق صرفاً این باشد که مردم را از ایجاد مزاحمت برای سایرین منع کند و فقط بر حفظ آزادی‌ها متمرکز باشد - اگرچه این هدف، در نوع خود، با ارزش است - اما برای تحقق هدف اصلی، که از نظر ایشان «ترقی و پیشبرد واقعی بشر» است، تأثیر چندانی نداشته است. ایشان معتقدند، چنین قوانینی فقط به چند امر و نهی قناعت کرده‌اند و بینش محدودی دارند (جعفری، ۱۳۹۲: ص ۴۷۷).

۳-۱. تعالی و رشد استعدادها

از دیدگاه علامه جعفری، سرگذشت بشر نشان می‌دهد که او سرشار از ضلالت، خودمحوری و جهلی است که درباره مصلحت واقعی خود دارد. به عبارت دیگر، انسان‌ها در جریان یک زندگی طبیعی قرار دارند، که به فقدان معرفت و آگاهی آنها نسبت به اصل و اساس زندگی و آن حیات معقولی که خواهد توانست موجودیت او را از همه نظر تفسیر و توضیح دهد، گواهی می‌دهد (جعفری، ۱۳۹۲: ص ۲۰۹).

در این میان، اگرچه اشخاص، یا طبقه حاکم و «اداره‌کننده»، برای جلوگیری از مزاحمت انسان‌ها برای یکدیگر یا کاهش آن، قوانینی وضع کرده و به اجرا رسانده‌اند و حتی تلاش کرده‌اند تا ارزش‌های والا، مانند عدالت‌جویی، را بسط دهند؛ اما در حقیقت هرچه کرده‌اند، برای یاری رساندن به همان مقررات و اجرای بهتر آنها بوده است (جعفری، ۱۳۷۹: ص ۳۴). در حالی که حقوق در یک «حیات معقول» نمی‌تواند به کشف روابط یک زندگی طبیعی محض، میان انسان‌ها و تنظیم و تمشیت آن‌ها برای همزیستی صرف کفایت کند؛ بلکه حیات معقول حقوق، «جان‌ها»ی آدمیان را اگر به حقوق مربوط به همزیستی مهم‌تر نداند، دست‌کم آن‌ها را در کنار یکدیگر ضروری تلقی می‌کند (جعفری، ۱۳۹۷: ص ۱۲۰).

بنابراین، از نظر علامه، حقوق و قوانین معمولی که تنها به زندگی طبیعی و محض انسان‌ها با یکدیگر می‌پردازند و به تنظیم ارتباطات آنها برای یک همزیستی صرف بسنده می‌کنند، نخواهند توانست به سعادت حقیقی انسان‌ها بیانجامند (پورجعفر، ۱۳۸۷: ص ۱۸۳). همین امر است که ما را به قانونگذاری الهی نیازمند می‌کند؛ زیرا می‌دانیم آنچه در حکومت اسلامی از اهمیت حیاتی برخوردار است، به ثمر رساندن توانایی‌ها و سرمایه‌های هر فرد است. لذا اینکه گفته می‌شود شیوه یا اساس حکومت در اسلام یک نظام مبتنی بر الله است؛ از نظر علامه بدین معناست که در این فرایند، فطرت، غریز، نیازها و موجودیت بشر با توجه به همه جوانب و سرمایه‌هایش مورد بررسی درست قرار می‌گیرد و تمامی احکام بر همین مبانی استوار می‌شوند (جعفری، ۱۳۹۲: ص ۲۳۵). به همین مناسبت، از نگاه ایشان، به غیر از قانونگذاری الهی (پیامبران) و

حکمای سرآمد که برای حیات انسان‌ها هدفی متعالی در نظر داشته‌اند، هیچ فرد و مکتبی در تاریخ وجود ندارد که توانسته باشد، حقیقت حیات، فلسفه و هدف آن برای انسان‌ها را با وضع قوانین، طرح عقاید، اجرا و تثبیت آنها، به صورت جامع و کامل، توضیح دهد (جعفری، ۱۳۷۹: ص ۳۴).

از دید علامه باید همه توان و نیرو در زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، اخلاقی، هنری و تمدن‌گرایی بشری به منظور عینیت بخشیدن به آرمان‌های اعلای انسانی صرف شود (جعفری، ۱۳۹۳: ص ۱۴۵). اساسی‌ترین وظیفه مدیریت از نگاه اسلام نیز عبارت است از فهم این واقعیت که انسان‌هایی که در یک مجموعه تحت تمشیت قرار می‌گیرند، دارای دو بُعد مادی و معنوی هستند. از همین رو تلاش و کوشش برای مدیریت بُعد معنوی آنان نه تنها نباید ضعیف‌تر از بُعد مادی آنان باشد، بلکه با توجه به غایت والای زندگی تمام انسان‌ها که قرار گرفتن در «جاذبیت شعاع فروغ الهی» است، باید با اهتمام بیشتری مورد توجه و تنظیم قرار گیرد (جعفری، ۱۳۷۳: ص ۱۰۷).

از طرف دیگر، نباید ادعای آن افرادی را قبول کرد که می‌گویند سیستم حکومت در دین اسلام یک سیستم استبدادی تئوکراسی است (جعفری، ۱۳۹۲: ص ۲۳۵)؛ بلکه تکالیف و تعهداتی که به وسیله پیامبران الهی به اجتماعات بشر ابلاغ شده است، انعکاسی از خواست و مشیت خداوند در مورد صلاح و فساد انسان‌هاست (پورجعفر، ۱۳۸۷: ص ۹۹). در نگاه علامه جعفری، حقوق برای حقوق، نه برای حیات معقول انسان، باعث می‌شود زنجیری سنگین بر دست و پای مردم بسته شود؛ حال آنکه این زنجیر برای «لیویاتان»‌ها به مثابه تار عنکبوتی بیش نیست (جعفری، ۱۳۹۱: ص ۳۰۰).

علامه می‌گوید با کنکاش در نتایجی که از تفکر بشری تولید شده است، مشخص می‌گردد، که بایستگی‌ها و شایستگی‌هایی که از حداقل‌های جبری و اضطراری برای یک زندگی طبیعی محض فراتر باشد، فقط در احکام الهی، که توسط پیامبران عظیم‌الشان، عقل سلیم و وجدان پاک به انسان‌ها منتقل می‌شود، جریان دارد. به عبارت دیگر، اگر خواسته‌های نفسانی و خودمحوری بشری را کنار بگذاریم و به نحو دقیق و جزئی در خیر و شر تفکر شود، در خواهیم یافت که تنها تکالیف الهی هستند که می‌توانند هم سعادت نسبی در دنیا و هم کمال نامحدود در آخرت را برای او میسر کنند. پس فقط عمل به این دستورهاست که می‌تواند انسان را به درجات والایی از کمال، ترقی بدهد؛ مراحلی که فهم انسان، بدون درک آن مراحل، فهمی ناکامل است و زندگی او بدون نیل به آن مراحل، از حیات طبیعی محض که سایر موجودات نیز دارند، تجاوز نخواهد کرد (جعفری، ۱۳۹۳: ص ۳۱۰). از مجموع این دلایل این ضرورت دریافت می‌شود که باید هدایت و راهبری انسان و در واقع قانون‌گذاری، به پیامبران الهی و اوصیای آنها، که واسطه پروردگار و انسان‌ها هستند،

واگذار گردد (جعفری، ۱۳۹۲: ص ۲۰۹) حال آنکه قوانین و مقرراتی که انسان‌ها طراحی کرده‌اند، صرفاً برای مدیریت و تمشیت همان زندگی طبیعی است که هر فرد به صورت ناآگاه و بی‌اختیار در برابر آن قرار دارد (جعفری، ۱۳۹۲: ص ۲۰۹). علاوه بر این، از نظر ایشان، پیروی از نظام حقوقی الهی تنها گزینه‌ای است که می‌تواند به تعیین و تنظیم حقوق یکپارچه برای تمامی انسان‌ها بیانجامد.

۳-۲. رسیدن به حقوق یکپارچه

ایشان پایین بودن میزان موفقیت قوانینی که براساس خواسته‌های انسان نوشته می‌شوند را ناشی از دخالت عناصر «نژاد و قومیت» می‌داند. لذا انسان از این زاویه، نخواهد توانست به عنوان یک هویت واحد و عام، به سایر افراد نوع بشر تطبیق داده شود. در نتیجه، محصول ضمنی این قوانین همانا شمول بخشی از انسان‌ها و توجه نکردن به سایرین است (جعفری، ۱۳۹۷: ص ۱۴۸). همین امر است که سطح پیروی از قانون را پایین می‌آورد. از دید ایشان، واماندن بشر از تعالی، پیامد از هم‌گسیختگی و شکاف در وحدتی است که باید شخصیت انسان داشته باشد. ایشان این عدم وحدت را یکی از نتایج تجزیه و جداسازی حقایقی چون دین، سیاست و اخلاق از یکدیگر می‌داند (جعفری، ۱۳۹۱: ص ۲۹۹).

بر همین اساس ایشان معتقد است، که مقصود پیامبران و خیراندیشان بزرگ همیشه بر این بوده است که قوانین واحدی بر تمامی جوامع حکم فرما شود. وجود ایده‌ای مبنی بر تنظیم يك حقوق بین‌المللی که تمام ملت‌ها در آن همسان باشند، بزرگ‌ترین برهان بر این است که بشر می‌تواند شاخصه‌های جغرافیایی و محیطی را کنار بگذارد و به قراردادهایی عمل کند که از خارج محیط، برای او فراهم شده است. مثال آن، قوانین مسیحیت و اسلام است که در چندین اجتماع متنوع، به استثنای رنگ‌آمیزی‌های جزئی ملی و محلی، به‌طور هماهنگ و متحدالشکل، با موفقیت، مورد عمل واقع می‌شوند (جعفری، ۱۳۹۷: الف: ص ۱۹). جامعیت شریعت اسلامی متضمن این است که انسان قادر است، در چارچوب شریعت، جواب تمامی نیازهای حیات خود را به بهترین شکل پیدا کند؛ وگرنه با در نظر گرفتن فراوانی خطاهایی که در معارف جزئی و نظری مردم وجود دارد، این نگرانی و عدم قطعیت همواره وجود دارد؛ به‌ویژه برای آنها که می‌خواهند پاسخی متقن برای پرسش‌های زندگی خود، خصوصاً در ارتباطات چهارگانه بیابند. علامه بر این باور است که بدون تکیه بر وحی نمی‌توان از این هراس‌ها برکنار ماند؛ زیرا هر انسانی می‌داند که تشخیص دقیق مصالح و مفاسد واقعی که همراه موجودیت و ابعاد گوناگون حیات او هستند، امر ساده‌ای نیست (جعفری، ۱۳۹۲: ص ۲۱۰).

از آنجا که قوانین الهی، چه آن بخشی که برای اداره حکومت تدوین شده‌اند و چه قوانینی که به اداره

زندگی دسته‌جمعی مردم مربوط است؛ یعنی آنچه که ایشان «فرهنگ الهی» می‌نامد، با خودمحموری‌ها و خودکامگی‌ها ناسازگار است، سودجویان نمی‌خواهند به این حقیقت اذعان کنند که این الگو به نحو بهتری می‌تواند انسان را در مسیر تکامل همراهی کند. به بیان دیگر، از آنجا که بشر به ماده و مادیات علاقه دارد، نتوانسته است این مطلوب را درک کند که اگر قوانین، چه در خصوص حکمرانی و چه در سایر قوانین مدنی، جزایی و بین‌المللی، دارای جنبه الهی باشند، بدون شک وی را به پختگی می‌رسانند (جعفری، ۱۳۹۲: ص ۱۹۴). اما یک انسان مسلمان همان‌گونه که در عقاید الهی بر دین تکیه دارد، در عقاید سیاسی، اخلاقی، اقتصادی و حتی در امور فرهنگی، با وجود عناصر گوناگونی که هرکدام دارند، بر محوریت دین اتکا می‌کند (جعفری، ۱۳۹۲: ص ۳۵۰). در ادامه بحث، به ویژگی‌هایی یک قانونگذار مطلوب از نظر علامه جعفری پرداخته می‌شود.

۴. ویژگی‌های قانونگذار مطلوب

نظر علامه جعفری بر این است که واضع قانون باید نسبت به تمامی خصوصیات و خواسته‌های پیدا و پنهان تابعان قانون، آگاهی داشته باشد وگرنه قادر نخواهد بود، قوانین جامع و کاملی تنظیم کند و مصلحت واقعی تابعان را تأمین نماید. علاوه بر این، قانونگذار نباید به گروه، نژاد یا جناح خاصی وابسته یا حتی متعلق باشد؛ زیرا کوچک‌ترین کشش، ولو نامحسوس، می‌تواند بر روند قانون‌نویسی وی سایه افکند و او را از مسیر عدالت خارج کند.

۴-۱. آگاهی جامع نسبت به ویژگی‌ها و نیازهای تابعان قانون

از نگاه علامه جعفری، کارنامه زندگی بشری در دوره‌های مختلف تاریخی ثابت کرده است که انسان‌ها این قابلیت و امکانات را ندارند که با اتکای صرف به علوم تجربی، به نحو درست بر خودشان حکومت کنند و صلح واقعی را برقرار کنند. این معضل از عدم توانایی انسان در شناخت کامل خود و محیطش نشأت می‌گیرد. به عبارت دیگر، تا زمانی که انسان نتواند زندگی و جوانب مختلف آن را شناسایی کند و به صیانت ذات تکاملی و تقوا تجهیز نشود، نخواهد توانست بر خود فرماندهی کند (جعفری، ۱۳۹۲: ص ۲۳۴). روشن‌ترین شاهد بر نارسایی قوانینی که صرفاً با استفاده از عقول بشری تهیه و ارائه می‌شوند و به ابعاد مادی جامعه تمرکز می‌کنند و قانون را به سلاخی برای قدرتمندان تبدیل می‌کنند، به وجود آمدن مصائب، جنگ‌ها، تعطیل شدن همه ارزش‌ها و حتی ناکارآمد شدن همین قوانین به هنگام بروز پیشامدهای غیرعادی مانند مخاصمات گوناگون، بحران‌های اقتصادی و... است (جعفری، ۱۳۹۷: ص ۱۲۱).

علامه جعفری پس از اشاره به این سخن ژان ژاک روسو که می‌گوید: «برای کشف بهترین قوانینی که به درد ملل بخورد، يك عقل کل لازم است تا تمام شهوات انسانی را ببیند، اما خود هیچ حس نکند؛ با طبیعت هیچ رابطه‌ای نداشته باشد، اما آن را کاملاً بشناسد؛ سعادت او، وابسته به ما نباشد، ولی به سعادت ما کمک نماید» (جعفری، ۱۳۹۲: ص ۲۰۹)؛ به قرآن کریم تاکید می‌کنند و این کتاب را فارغ از تراوش ذهن‌های محدودنگر انسان معرفی می‌کنند، که اگر یک بُعد از مسائل و جوانب حیات را در یک زمان مشخص بازگو کند، از توضیح ابعاد یا جهات دیگر ناتوان باشد (جعفری، ۱۳۹۷: ص ۱۶۰).

علامه جعفری بیان می‌کند که گزارشات تاریخی نشان می‌دهند که اگرچه مکاتب و نظریاتی که ظهور کرده و هر کدام نظام‌هایی برای حکمرانی پدید آورده‌اند، توانسته‌اند برخی مشکلات و دشواری‌ها را حل و فصل کنند، اما در مقابل، مشکلات بیشتری بر معضلاتی که بشر در حیات اجتماعی‌اش داشته است، اضافه کرده‌اند (جعفری، ۱۳۹۲: ص ۲۳۵)؛ زیرا ما با انسانی روبرو هستیم که «معنادار» است، یعنی از يك خاستگاه الهی و از حکمت و مشیت برتر خداوندی به این دنیا وارد شده است و با عبور از این گذرگاه، به ابدیت پیش خواهد رفت. بنابراین، مدیریت چنین انسانی را نمی‌توان با این دانش و حواس محصور و اندک که با خواسته‌ها و آرزوهای مادی آمیخته شده است، به مقصود رسانید (جعفری، ۱۳۹۲: ص ۲۳۶).

ایشان می‌گویند، مطالعه تاریخ به خوبی نشان می‌دهد که حتی تدوین يك نظام حقوقی شایسته و والا نیز، ضرورتاً ملازم با اجرای آن قوانین نیست؛ چرا که وجود تبعیض در قوانین و فقدان آمادگی اجتماعی در افراد، از جمله مهم‌ترین دلایلی است که باعث می‌شود قانون اجرا نشود. به همین جهت، قانونگذار علاوه بر آگاهی از شرایط و نیازهای تابعان قانون، باید از هرگونه وابستگی و منفعت‌طلبی دور باشد.

۴-۲. دور بودن از منافع و پیوندهای نامشروع

در این رابطه ایشان بر این باور است که در حقوقی که توسط انسان‌ها تنظیم و تدوین می‌شود، در بهترین حالت، اولاً دیدگاه‌ها و نیازهای اقلیت، معمولاً، مورد توجه قرار نمی‌گیرد، و نظر اکثریت ملاک عمل است؛ ثانیاً معلوم نیست آیا حقوقی که برای اکثریت نوشته شده است، به حقیقت، منافع ایشان را تأمین می‌کند یا خیر (جعفری، ۱۳۹۷: الف: ص ۵۰۴). به همین دلیل است که ایشان اغلب نظام‌های حقوقی در دوران کنونی را «پیرو» می‌داند، یعنی حقوقی که «روش مردم» را ملاک قرار می‌دهد. اما از نظر علامه حقوق پیرو و روش

۱. در بخش‌های بعدی این نوشتار، به پیشنهاد ایشان برای آمادگی اجتماعی پرداخته شده است.

مردم نمی‌توانند حقایق و ماهیت‌ها را به‌طور صحیح نشان دهد؛ زیرا افراد انسانی خواسته‌های گوناگونی دارند و دیدگاه‌های متنوعی که هرکدام دارند باعث می‌شود در ترسیم نظام‌های حقوقی، اهداف متنوعی دنبال شود (جعفری، ۱۳۹۷ الف: ص ۵۰۴).

در مقابل، علامه جعفری خاطر نشان می‌سازد که خداوند متعال، در خلقت جهان هستی و در تنظیم قوانین حاکم بر آن، عنصر «عدالت» را بر آن ثابت فرموده است. با کاوش در معنای حقیقی عدالت، این معنی روشن می‌شود که خداوند پیوندهای میان همگی اشیاء، از کوچک‌ترین تا بزرگ‌ترین را بر قوانین مناسب به خود آن‌ها استوار کرده است. بنابراین، آیا می‌توان کوچک‌ترین احتمالی در نظر گرفت که هستی جملگی محصور در قانون و عدل و نظم مخصوص باشد و انسان، در حالت زندگی اجتماعی، که بیشتر از سایر اعضاء و مجموعه‌ها به عدل و قانون احتیاج دارد، رها، آزاد و بدون قید بوده و زندگی جمعی او بر اساس خواسته‌ها و هوس‌های بی‌مبنای خود او تنظیم شده باشد؟! (جعفری، ۱۳۹۷ ب: ص ۲۷۷)

۵. ضمانت اجرای مطلوب

از نظر علامه جعفری، هیچ دلیل واضحی وجود ندارد که نشان دهد، قانون موضوعه می‌تواند بدون اجبار سیاسی، حقوقی و اجتماعی در جهت تعالی شخصیت بشر گام بردارد (جعفری، ۱۳۹۲: ص ۴۷۷). به عبارت دیگر از دید ایشان، یک رفتار اجتماعی به هیچ عنوان بر اثر ترس صرف از کیفرهای بیرونی کاملاً تضمین نمی‌شود؛ بلکه هر فرد متعادل از نظر درونی، دارای حس انضباطی است که با اجبار و زور نیروهای خارجی، پیوند چندانی ندارد (جعفری، ۱۳۹۷ الف: ص ۵۰۶). در همین راستا، ایشان توصیه می‌کند برای آنکه بتوان قوانین را به نحو موفقیت‌آمیز در سطح جامعه اجرا کرد، ابتدا باید از طریق آموزش و پرورش، شرایط و بستر مناسب برای آشنایی افراد با مبانی و فلسفه قانون مهیا شود تا از این طریق، هنجارها برای افراد به امری درونی تبدیل گردد؛ پس از آنکه این مرحله با موفقیت انجام شد، نیاز به کیفرهای بیرونی کاهش می‌یابد و صرفاً در موارد استثنایی و تکمیلی از آنها استفاده خواهد گردید.

۵-۱. تعلیم و تربیت به عنوان پیش‌نیاز

علامه بر این باور است که وضع عالی‌ترین حقوق برای آن جامعه‌ای که اشخاص در آن، از نظر تربیتی، برای پذیرش و احترام به قوانین و نظم اجتماعی آمادگی نداشته باشند، شبیه به این است که یک ساختمان مجلل را بر قلّه یک آتشفشان بنا کنیم. بر همین اساس، از نظر ایشان ضرورت دارد، پیش از هر چیز، یک رشته اصول روانی و اخلاقی مشترک به همگان تعلیم داده شود (جعفری، ۱۳۹۳ ب: ص ۶۷). به عبارت دیگر،

ایشان دامنه مسئولیت قانونگذار را گسترش می‌دهد؛ چرا که ایشان میزان موفقیت یک دستور یا قاعده آمرانه را در ارتباط مستقیم با ارتباط صمیمانه‌ای می‌داند که آن قانون توانسته است با افراد برقرار کند. علامه می‌گوید تا می‌توانید، ابتدا انسان‌ها را آماده کنید و آنها را بسازید؛ سپس افراد را مخاطب دستورات حقوقی و مسئولیت‌های قانونی قرار بدهید. مقصود از این عبارت این است که تعلیم و تربیت افراد به منظور آماده کردن آنها برای پذیرش حقوق و قوانین از اهمیت بسیاری برخوردار است. از این طریق است که افراد خواهند توانست قوانین اجتماع را با «قطب‌نمای وجدان» خود دریابند (جعفری، ۱۳۹۳: ص ۵۱۲). ایشان بر این باور است که شخصیت انسان مثل نباتات نیست که اگر مطابق زمینه‌های طبیعی خود به‌وجود آمد، دیگر نتواند در ارتباطات، قوانین، علت‌ها و اقتضانات خود تغییر و تحولی ایجاد کند (جعفری، ۱۳۷۹: الف: ص ۱۲۴).

از نخستین دغدغه‌های فقهای اسلام نیز این بوده است که اصول شریعت را در قالب مجموعه‌ای از وظایف اخلاقی تدوین کنند تا از این رهگذر، ضمانت اجرای آنها بیش از آنکه بر تعهدات قانونی و جبران خسارات دنیوی استوار باشد، در نتایج دینی و پیامدهای معنوی آنها قرار داده شود (هیدن، ۱۳۹۲: ج ۱، ص ۵۴۶). به عنوان مثال، علامه جعفری به این نکته اشاره می‌کند که محبوب‌ترین انسان نزد پروردگار آن فردی است که بیشترین خیر و فایده را به دیگران برساند (رعایت جهرمی، ۱۳۹۷: ص ۱۵). از طرف دیگر، هیچ‌گونه ضرورتی موجود نیست که نشان دهد، وضع مجازات و کیفر می‌تواند عامل درونی لازم را در یک انسان تقویت کند و بشر را از تجاوز به حقوق دیگران باز دارد (جعفری، ۱۳۹۳: الف: ص ۱۹۱)، بلکه این مهم با آموزش و پرورش به‌دست می‌آید.

۲-۵. توجه بیشتر به سازوکارهای بازدارنده درونی

علامه جعفری از قانونگذاران می‌خواهد، در تعیین ضمانت اجرا و انواع مجازات‌ها، از نقش اخلاق غافل نشوند. از نظر ایشان، ایجاد یک عامل اخلاقی درونی که افراد را از ارتکاب جرم منجر کند و به سمت فضیلت‌های اخلاقی هدایت نماید، اهمیت و نقش فوق‌العاده مهمی دارد؛ تا جایی که ایشان از «لزوم» آن سخن می‌گوید. زیرا علامه معتقد است چنین فردی خود را به دو قانون مقید می‌داند: ۱. قانون اخلاقی درونی؛ ۲. قانون اجتماعی بیرونی. در این راستا ایشان می‌گوید، هرکس از عوامل اخلاقی قدرتمند در درونش برخوردار باشد، صدمه و خدشه‌ای به جامعه نمی‌رساند؛ چرا که چنین شخصی قلباً اعتقاد دارد که سایر افراد، درست همانند خود وی، دارای خواسته‌ها و تمایلاتی هستند که باعث می‌شود، مانند خود او، امور خود را به نحوی تمسیت کنند که هم حداکثر تمایلات خود را تأمین نمایند و هم ضررهایی که ممکن است به آنها وارد

شود را به حداقل برسانند. بدون شك، چنین شخصی به قراردادهای اجتماعی خود بهتر از همه پای‌بند می‌شود؛ زیرا قطب‌نمای وجدان، صلاح اجتماع را به چنین شخصی به‌طور صحیح نشان داده است و او می‌داند که عدم تجاوز افراد به حقوق و حریم یکدیگر، که پایه تمامی حقوق و قوانین است، همزمان اولین اصلی است که اخلاق وجدانی بدون کوچک‌ترین تردیدی نشان می‌دهد (جعفری، ۱۳۹۳ الف: ص ۱۹۱).

از نظر علامه جعفری احترام به قانون یا انحراف از آن در واقع چهره‌ای از درون انسان است (جعفری، ۱۳۹۱: ص ۱۱۳)؛ زیرا شخصی که در درون خودش گمراه است، هرگز نمی‌تواند حق حیات، کرامت و آزادی سایر انسان‌ها را محترم بشمارد. در واقع، چنین شخصی «حق»، «حکم»، «حیات»، «کرامت» و «آزادی» را اساساً درک نمی‌کند، چه رسد به اینکه به آن‌ها احترام بگذارد (جعفری، ۱۳۹۳ ب: ص ۳۳۱). بنابراین، در دیدگاه ایشان اگر ضمانت اجرا ناشی از مذهب باشد، هیچ کدام از ابزارهای سیاسی، اجتماعی و حقوقی هم اگر وجود نداشته باشند، هر فرد دارای يك تحرک ذاتی و درونی است مبنی بر اینکه باید تکلیف خود را نسبت به سایر افراد و حقوقی که آنها دارند، انجام دهد (جعفری، ۱۳۹۳ ب: ص ۵۱۲).

به اعتقاد علامه، عامل و ضامن اجرای آن حقوقی که بر مبنای دین استوار است، شخصیت کمال‌طلب خود انسان است. در ادامه، عوامل اجرایی در هنگام تخلف افراد جامعه از آن‌ها، به عنوان مکمل، برای منتفی ساختن مفاسد اجتماعی ناشی از تخلف، دست به کار می‌شوند، و به عنوان هشدار، اهمیت بنیادین و اساسی این تکالیف و تعهدات را به اجتماع یادآور می‌شوند. بدین ترتیب، عوامل درونی و بیرونی، به همراه یکدیگر، هم شرایط را برای تکامل شخصیتی انسان‌ها آماده می‌کنند و هم تکالیف و حقوق را به صورت علمی و عینی در جامعه پیاده می‌کنند (جعفری، ۱۳۹۳ ب: ص ۱۵۰).

۶. نتیجه‌گیری

انسان‌ها برای جلوگیری از هرج و مرج و بی‌نظمی در جامعه ناگزیرند قانون‌هایی را میان خود شناسایی کنند و آنها را به منظور حفظ آرامش به رسمیت بشناسند. در این میان، قانونی بهترین است که ریشه در مبانی محکم و متقن داشته باشد. بر اساس نظر علامه محمدتقی جعفری، این مبانی در دین اسلام وجود دارد و قانون برخاسته از این مبانی می‌تواند راهگشای مشکلات بشریت قرار گیرد. از نظر وی، دین اسلام همه شئون حیات بشر را در خود دارد؛ اما بشر صرفاً به جنبه مادی اتکا داشته و ضرورت توجه به بعد معنوی را درک نکرده است. از نگاه ایشان، تنها به‌وسیله حکومت الهی است که حق، عدالت، صلح و صفای واقعی در جامعه حکم‌فرما می‌گردد؛ زیرا او آگاه از تمام ویژگی‌های انسان است و تحت تأثیر علایق و سلیقه‌های انسانی واقع

نمی‌شود. حال آنکه ذهن محدود بشر، نمی‌تواند تمام جوانب مختلف را بررسی کند، خود را از قید وابستگی‌های قومی و نژادی و سلایق گوناگون سیاسی و اقتصادی و غیره، جدا کند و تدابیری بیاندهد که منافع همگان را همزمان تأمین نماید. در مقابل، قانونی که با توجه به مبانی وجودی انسان تنظیم شود، هم نتایج بهتری به ارمغان می‌آورد و هم با استقبال و متابعت مخاطبان روبرو می‌شود. از طرف دیگر، از دید ایشان، ضمانت اجرا را باید در درون هر انسان تعبیه کرد. در نهایت ایشان بر این باور است اگر قوانینی که تنظیم می‌شوند مطابق با آموزه‌های ناب اسلامی تدوین شوند، از آنجا که اصولاً تعارضی با منافع و مصالح افراد ندارند، به زور و مجازات‌های بیرونی نیز نیاز کم‌تری دارند و افراد با رضایت خاطر به آنها عمل می‌کنند.

منابع

- پورجعفر، اسماعیل (۱۳۸۷). *سیری در اندیشه سیاسی و اجتماعی علامه محمدتقی جعفری*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۳). *حکمت اصول سیاسی اسلام*. تهران: بنیاد نهج البلاغه.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۶). *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۹ الف). *ایده آل زندگی و زندگی ایده آل*. تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۹ ب). *فلسفه و هدف زندگی*. تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۹۱). *عرفان اسلامی*. تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۹۲). *تکاپوی اندیشه ها*. تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۹۳ الف). *بررسی افکار هیوم و راسل*. تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۹۳ ب). *حقوق بشر و کاوش های فقهی*. تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۹۳ ج). *معرفت شناسی*. تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۹۷ الف). *جبر و اختیار*. تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۹۷ ب). *قرآن؛ نماد حیات معقول*. تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۶). *اندیشه سیاسی در گفتمان علوی*. قم: نشر بوستان کتاب.
- حسن، عباس حسن (۱۳۸۳). *ساختار منطقی اندیشه سیاسی در اسلام*. ترجمه مصطفی فضائلی. قم: نشر بوستان کتاب.
- حقیقت، سیدصادق (۱۳۹۳). *مبانی اندیشه سیاسی در اسلام*. قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- رعایت جهرمی، محمد (۱۳۹۷). *نگرشی به مبانی دینی و اخلاقی مفهوم حق در دیدگاه کانت و علامه جعفری*. حکمت و فلسفه، ۱۴(۵۵): ۷-۲۸.
- سازمند، محمدرضا (۱۳۹۸). *جستاری در سیمای انسان کامل از منظر قرآن کریم*. تهران: نشر شهر علم.
- عابدی، محمد (۱۳۹۹). *امکان تفسیر سیاسی قرآن کریم*. سیاست متعالیه، ۸(۳۱): ۷-۲۶.
- فرازی، عبدالوهاب (۱۳۹۸). *علامه جعفری و معیار آزادی*. قیاسات، ۲۴(۹۴): ۱۴۷-۱۶۲.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۷). *مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران*. تهران: نشر گنج دانش.
- لکزایی، شریف (۱۳۸۳). *آزادی و حیات معقول در اندیشه آیت الله محمدتقی جعفری*. علوم سیاسی، ۲۶: ۱۱۷-۱۴۰.
- محمصانی، صبحی رجب (۱۳۸۶). *فلسفه قانونگذاری در اسلام*. ترجمه اسماعیل گلستانی. تهران: نشر آثار اندیشه.
- هیدن، پاتریک (۱۳۹۲). *فلسفه حقوق بشر*. ترجمه و تحقیق مهدی یوسفی و رضا علی میرزایی. تهران: نشر مخاطب، ج ۱.
- یثربی، یحیی (۱۳۹۰). *ارزیابی دیدگاه علامه جعفری درباره حقوق بشر*. حکمت معاصر، ۲(۲): ۱۰۷-۱۲۲.